

تازه‌های نشر

روایت اروپاییان از ایران قاجار

● نشر ققنوس به تازگی مجموعه‌ای درباره تاریخ معاصر ایران منتشر کرده است به نام «ایران قاجار در نگاه اروپاییان». از این مجموعه تاکنون سه مجلد منتشر شده که عبارتند از: ۱) «نماهایی از ایران» اثر سر جان ملکم؛ ۲) «ماموریت به ایران» اثر مارتین هنری دانوهو؛ ۳) «نگاهی به ایران» اثر دوروتی دو وارزی. هر سه مجلد را شهاب‌طهماسبی ترجمه کرده است.

۱- پیششهاد تصرف جزیره هنگام

مجلد اول این مجموعه درباره مأموریت‌های سر جان ملکم در ایران، موضوعات ادبی و زندگی اجتماعی و خلق‌و‌خوی ایرانیان است. این کتاب برآمده از مشاهدات او از مأموریت اولش به ایران است. ملکم، کارمند کمپانی هند شرقی و اولین نماینده سیاسی انگلستان به ایران در دوره قاجار، در سال ۱۲۱۵ قمری نزد فتحعلی‌شاه قاجار می‌رود. او در هندوستان، زبان فارسی، زبان ادبی و رسمی آن دوران را آموخته بود و با آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگی شرقی‌ها تقریباً آشنا شده بود، تا جایی که در سال ۱۷۹۲ مترجم فارسی نیروهای نظامی انگلیسی در ایالت حیدرآباد بود. ملکم نیز همچون بسیاری از مأموران سیاسی اروپایی، در عین کار سیاسی، پژوهشگر و اهل کاوش بود. او در این کتاب اقدامات خود را شرح می‌دهد. خط مشی و رویه سیاسی او در ایران تا دهه ۱۸۶۰ که دولت انگلستان تعیین‌کننده نماینده سیاسی سرمشقی همکامانش بود. ملکم در مدت اقامت خود در ایران به اهمیت سیاسی و تجاری جزایر و بنادر خلیج فارس پی برد و پس از بازگشت به هند، به لرد ولزی پیشنهاد کرد که جزیره هنگام را اشغال و در آن پایگاه دریایی تأسیس کنند. هرچند اقدامی صورت نگرفت. محتوای کتاب به‌گونه‌ای است که انگار یک داتای کل آن را نوشته، شاید به این دلیل که او آسان‌تر بتواند احساسات، افکار و داورهای خود را در مورد ایرانیان، که بیشتر با عداوت و تحقیر همراه است، از زبان دیگران بیان کند.

۲- جنگ جهانی اول

مجلد دوم این مجموعه روایتی است از ایران در دوران جنگ جهانی اول که مصادف است با اواخر دوران قاجار. نویسنده این مجلد، مارتین هنری دانوهو، خبرنگار و مأمور اطلاعاتی انگلستان است. او معتقد است که درباره جنگ تا بد می‌توان نوشت. جنگ بخش بزرگی از زندگی دانوهو را تشکیل می‌داد. او به عنوان گزارشگر «دیلی کرویکل» توانسته بود در بزرگ‌ترین خیزش‌های نظامی و سیاسی جهان حضور داشته باشد. دانوهو در اوایل جنگ جهانی اول خبرنگار دیلی کرویکل در بالکان بود. او به ارتش می‌پیوندد و به همراه نیروی اطلاعاتی به رومانی و روسیه فرستاده می‌شود و ناگهان خود را در «دانستر فورس» با سمت «افسر سرویس ویژه» در سرزمین دورافتاده ایران می‌یابد و بدین طریق مأموریت اطلاعاتی او به ایران آغاز می‌شود. او می‌نویسد: «ماجرای جنگ ایران باید روایت شود و من خوش‌فقم که سهمی کوچک در این گزارش بر عهده گرفته‌ام. این کتاب ماجرای عملیاتی کوچکی است که گمنام مانده است، در کشور من کسی آن را نمی‌شناسد و ظاهراً مدت‌های مدید حتی خود مقامات نیز آن را از یاد برده بودند. این قوا تحت فرماندهی ژنرال دانسترویل بود که همه‌جا با عنوان «دانستر فورس» شناخته می‌شود و من بخشی از آن بودم و این کتاب را درباره آن نوشته‌ام.» او در این کتاب کوشیده «دانستر فورس» را معرفی کند. علت اعزامش را شرح دهد و بگوید تا چه حد در اجرای مأموریتش موفق بوده است.

۳- روایت عصر سه‌پادشاه

دوروتی دیویس، همسر لئون لومباردو دو وارزی، دیپلمات بلژیکی، در اواخر دوره قاجار به ایران آمد. او در مجلد سوم این مجموعه از اولین برخوردش با تهران، تجربه‌ها و خاطراتش از این شهر می‌گوید. دوروتی دو وارزی ایران را در سه دوره بحرانی در دوره قاجار دیده بود و مشاهدات، اطلاعات و تجربیات خود را از این کشور به‌اختصار ثبت کرده است. او در خاطراتش خود را بسیار به ایران علاقه‌مند نشان داده است. سه دوره‌ای که وارزی در ایران تجربه و در این کتاب روایت می‌کند از این قرار است: دوره مظفرالدین‌شاه قاجار پیش از مشروطیت، دوره محمدعلی‌شاه در هنگامه نبرد بین مشروطه‌خواهان و استبدادطلبان، و دوره احمدشاه اندکی پیش از جنگ جهانی اول و کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹. این کتاب که نزدیک به صد سال از نظرها دور مانده بود، در سال ۲۰۰۸ در انگلستان تجدید چاپ شد. توصیف او از تهران جالب است: «اگر ناخواهان آسایش هستی، به تهران سفر نکن! تنها راه سفر این است که مثل برق بروید و مثل بار برگردید. اما اگر آسایش را ندیده بگیرید، سفری است بی‌اندازه جذاب و مفید، و امیدوارم گزارشی کوتاه از این سفر، درباره اروپاییانی که در تهران زندگی می‌کردند و زندگی در آن، خالی از لطف نباشد.»



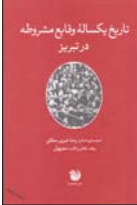
ایران یازدهم دی ماه ۱۲۰۹ در تهران رسیده تا میان نظامیان، اربابان، بزرگان، اهل‌الترب و قزاقان، مأموران و کسان

گروه اندیشه: «مشروطه را تهران پدید آورد ولی پیشرفت آن را تبریز به گردن گرفت». این گفته احمد کسروی در تاریخ مشروطه ایران تنها گوشه‌ای از توصیف تاریخ‌نگاران از اهمیت شورش و بلوای تبریز در اولین انقلاب مدرن قرن بیستم است. درباره مشروطه و وقایع منتهی به نخستین انقلاب مشروطه و نقش تبریز بسیار گفته و نوشته‌اند. نقش‌ش تبریز و آذربایجان در انقلاب مشروطه انتقرد پرنگ بوده که اجازه نداده تاریخ‌نگاری مشروطه بیش از این مرکز‌محور باقی بماند. به تازگی به همت نشر «امید صبا» روایتی از یکی از شاهدان بلوای تبریز منتشر شده است. این کتاب نسخه‌ای قدیمی است با نقاش و نویسنده‌ای ناشناس که رضا خیبری مطلق آن را استنساخ و اصلاح کرده است.

از عمر این نسخه حدود ۱۰۰ سال می‌گذرد. کتاب گزارشی است دست‌نویس درباره تاریخ یکساله وقایع مشروطه (حدود ۱۰ ماه و ۲۱ روز) در تبریز در دوران محاصره شهر تبریز که از پنجم جمادی‌الاول سال ۱۳۲۶ قمری تا هشتم ماه ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ طول کشید. نویسنده ناشناس در گزارش خود اوضاع و احوال شهر تبریز و چگونگی حمله دولتی‌خواهان و مستبدان و مقابله و مقاومت مشروطه‌خواهان و اوضاع و احوال محلات تبریز و حومه آن، انجمن‌ها و شرح حال شخصیت‌ها و رجال آن روز تبریز و آذربایجان را به تفصیل شرح می‌دهد. اصل نسخه قدیمی در ۳۴۴ صفحه و دو جلد تحریر شده و مصور به چهل تصویر آبرنگ از وقایع و چهره‌ها که ۴۰ صفحه است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این نسخه وجود نقاشی‌هایی است که به خوبی وقایع را شرح می‌دهند. هرچند روشن نیست کاتب و نقاش هر دو یک نفر بوده‌اند یا نه. بر گوشه این صفحات مهر کنسولگری روسیه در تبریز خورده که نشان می‌دهد این کتاب زمانی جزو آرشیو کنسولگری روس در تبریز بوده و چه‌بسا به سفارش آن کنسولگری نگاشته شده است. باین‌همه، گزارش این کتاب ناشناس برای اهل فن و مورخان و خصوصاً علاقه‌مندان به تاریخ مشروطه می‌تواند مهم باشد و چه‌بسا به تبیین روایات مبهم وقایع مشروطه نیز کمک کند.

خبر از طهران می‌رسد که...

روایت کاتب ناشناس از اینجا شروع می‌شود «که در پنجم شهر جمادی‌الاول سنه هزارویصدوویستوشش که جمیع بلاد ایران مشروط بود و سلطان محمدعلی‌شاه قاجار هم سلطان مشروطیت بود، وکلای هر شهر هم در طهران در دارالشورای ملی جمع بودند. در تاریخ مذکورال فوق تلگرافی از دارالشورای طهران به انجمن ایالتی تبریز رسید [که] مضمونش به قرار مذکور است: شاه خیالش فاسد، قزاق و سوار کثیر همراه خود از شهر بیرون برده و بر شهر برج‌های توپ کشیده، احتمال خطر هم درخصوص وکلا، خاصه وکلای آذربایجان هست، وکلای آذربایجان.»
راوی روایت می‌کند که وقتی این تلگراف



تاریخ یکساله وقایع مشروطه در تبریز

تاریخ



تسخیر مروین عهد احمد، در مراسم تقدیم سینه و اربابان، اربابان، بزرگان، اهل‌الترب و قزاقان، مأموران و کسان

روایت شاهد و کاتبی ناشناس از وقایع مشروطه در تبریز

مشروطه تبریز

به وکلای تبریز رسید فورا از انجمن ایالتی به همه انجمن‌های شهر و روسای شهر و روسای اشخاص مجاهدین اطلاع دادند که «تلگراف موحشی از دارالشورای تهران ظاهر می‌شده است، ولی صحتش یقین نیست». آنها چهار ساعت مانده به غروب در تلگراف‌خانه قرار می‌گذازند تا درباره صحت این تلگراف تحقیق کنند. مشروطه‌خواهان در تلگراف‌خانه جمع‌اند و بلاتکلیف که بالاخره تلگراف دوم هم به صورت رمزی می‌رسد: «انجمن ملی، شاه، خیالش فاسد، ما در خطر، در فرستاند سرباز ملی به طهران اهتمام، تلگراف‌خانه تفقیش، بیشتر از این در تلگراف‌خانه بودن غیرممکن، اوضاع شهر منقلب، ما سلامت، تقی‌زاده و وکلای آذربایجان.»

بعد از این تلگراف سیم طهران را می‌بندند و همگی متفرق می‌شوند. تااینکه علی‌رغم پنهان‌کاری‌ها فردای آن روز مردم از متن تلگراف مطلع می‌شوند. مشروطه‌خواهان تصمیم می‌گیرند بازار را ببندند و در صحن تلگراف‌خانه چادر بزنند ولی وکلای انجمن ایالتی از ترس اینکه در شهر اغتشاش شود مانع از این کار می‌شوند و «لهذا موقوف شد».

باین‌حال، «روسای انجمن شهر و روسای اشخاص مجاهدین به منظور جذب سرباز ملی، به اراده عزیمت به طهران، در سربازخانه بزرگ دولتی خیمه و خراگه متعدد برپا نمودند». این کار تقریباً در تمام محلات تبریز اتفاق افتاد. تااینکه ستارخان مجاهد محله امیرخیزی و باقرخان مجاهد محله خیابانی «هریک با عده‌ای سوار ملی به عزم طهران به مدد ملتی از شهر بیرون شدند و در قریه باسمنج که در دو فرسنگی تبریز است اردو زدند و درنگ نمودند که سوار ملی و سرباز ملی و توپ و قورخانه از شهر برسد و جمعیت ملی کثیر شود، آن وقت حرکت [به] طهران نمایند و هر روز کم‌کم از سربازان ملی به اردوی باسمنج می‌رفتند». اما طبق روایت راوی در برخی محلات تبریز ازجمله شستریان و سرخاب و باغمیشه ماجرا از قراری دیگر بود و ساکنان این محلات اکثراً تجار و ملاک و متمول و مستبد و مخالف مشروطه بودند و انجمنی هم داشتند به نام مجلس اسلامی. به روایت کاتب «عموم اهالی آن سه محل وجود اعلاحضرت محمدعلی‌شاه را خواهان بودند و بلکه عقاید اشخاص

تاریخ یکساله وقایع مشروطه در تبریز

نقاش و کاتب: مجهول
مصحح: رضا خیبری مطلق
ناشر: امید صبا
چاپ اول: ۱۳۹۷
قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

شکل‌گیری نهادهای مذهبی در ایران

در این فصل نویسنده نمایی کلی از خاستگاه ایلیاتی فتحعلی‌شاه، دوران ولیعهدی، شخصیت و کارکرد پادشاهی او به دست می‌دهد. پیشینه قبیله‌ای و خانوادگی قاجارها به هیچ روی کمتر از سلسله‌های دیگری که بر ایران حکومت کردند نبود تا خلأ مشروعیتی برای این سلسله پدید آورد و آنان را به جست‌وجوی یاوران مشروعیت‌بخش وا دارد. نویسنده توضیح می‌دهد که دوستی و نزدیکی فتحعلی‌شاه با علما دلائل شخصی و اجتماعی بسیاری دارد که به نظر می‌رسد کسب مشروعیت آخرین دلیل آن باشد. حادثه بزرگ دوران فتحعلی‌شاه جنگ ایران و روس بود. آغازگر جنگ اول توسعه‌طلبی روس‌ها بود و آغازگر جنگ دوم انتقام‌جویی ایرانیان. این جنگ‌ها دروازه آشنایی با دیپلماسی و دگرگونی‌های جهان غرب را به روی ایران گشود ولی جز در دارالسلطنه تبریز توسط عباس میرزا و دو قائم‌مقام حرکتی برای فهم ریشه‌های تحولات جدید در تهران پدید نیاورد. شکفتن بزرگ در این دو جنگ شرکت‌دادن دیرهنگام علما در آغاز جنگ دوم بود. در سال سوم جنگ اول، اندیشه اعلام جهاد از سوی عباس میرزا در تبریز به میان آمد و میرزابزرگ قائم‌مقام مامور کسب و جمع‌آوری فتوای فقهای عتبات و ایران به منظور اعلام جهاد شد. فتحعلی‌شاه به رغم دین‌ورزی فرهنگی، به‌موقع از اصل جهاد اسلامی در برابر توسعه‌طلبی روسیه نوپیدا استفاده نکرد.

در فصل دوم، رابطه فتحعلی‌شاه با علما و اهل غیب و مکاشفه بررسی می‌شود. اهالی این بستر دینی فقهای اصولی، اخباری، شیخی و همچنین عارفان الااهی و صوفیان علیشاهی هستند. البته مجتهدان اصولی پیش‌تر پیشتاز فقاقت و دیانت شده بودند و با آقامحمدخان نیز روابطی به هم رسانده بودند، اما فتحعلی‌شاه این رابطه را به دوستی و رفاقت رساند. با اینکه فقهای زرف‌اندیشی در فقه و اصول در این عصر ظهور کردند، اما یک نوع عامی‌گری و خشک‌اندیشی دینی در این دوره رواج یافت که رخداد حوادث را از عملکرد آدمیان به دور، و بیش از حد حواله به غیب می‌کرد. در پیگیری

شاه‌نشین عرش

خاقان صاحب‌قران و علمای زمان احمدکاطمی‌موسوی

ناشر: آگاه

چاپ اول: ۱۳۹۷

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان



باور دین و چنان‌که تمام طرف‌داران دین و مستیکاران دین متوجه

مشروطیت‌طلب را فاسد می‌دانستند و چند روز بعد جناب حاج‌آقا میرزا حسن‌آقا مجتهد از طهران به تبریز مراجعت نموده بودند. اهالی این محلات جمع شدند و رو به سوی نماینده‌ای که از طهران آمده بود و تجار و اعیان و عموم دولت‌خواهان «داوطلبانه عرض کردند که دولت قوی‌شوکت شاهنشاهی ایران را نوکریم و شما هم آقایان و پیشوای مملکت ما مستبد و معلوم است در دولتخواهی و غیرت اسلامی در این مجلس جمع شدید و اسم مبارک این مجلس را مجلس اسلامی قرار دادید». به‌هرتیب، دعوا بین محلات بالا گرفت: «خلاصه عموم مستبدین و مشروطیت‌خواهان در هيجان بودند هرکس از اهل محله خیابان و مشروطیت‌طلبان به محله شستریان و سرخاب و بازارچه شتربان و سرخاب گذر می‌کردند تنگچی‌های مجلس اسلامیه او را گرفته و محبوس می‌کردند و هرکس که از شتربانی‌ها عبور به محله خیابان و نویر می‌کردند مجاهدین به امر باقرخان او را گرفته محبوس می‌کردند».

راوی می‌گوید عصر همان روز باقرخان در نظقی حجت را بر یاران خود تمام می‌کند. باقرخان می‌گوید: «بر تمام شما اطلاع داده می‌شود کار از کار گذشت، عداوت آشکار شد، غیر از دعوا چاره‌ای نیست. صبح زود ششیور کشیده خواهد شد، عموماً مسلح و آماده حاضر باشید. باید انشاءالله اقدام غیورانه نموده مجلس اسلامیه را خراب و عموم مستبدان را متفرق نمایم [تا] شهر آسوده شود». صبح که شد به امر باقرخان ششیور کشیده شد.

مشخصه‌های روایت کتاب

این گوشه‌ای از روایت جذاب و خواندنی راوی ناشناس از یک سال وقایع مشروطه است. روایت او چند ویژگی مهم دارد که کتاب را برای علاقه‌مندان به تاریخ مشروطه به کتابی مهم بدل می‌کند. وقایع‌نگار و راوی جانب بی‌طرفی را کاملاً رعایت کرده و حوادث و وقایع را بنابر مشاهدات خود و بدون هیچ تحلیلی و اعمال نظری نوشته است. و از نوع روایت چنین برمی‌آید که تعصب خاصی هم به هیچ‌یک از طرفین دعوا نداشته و گزارش خود را بدون جانبداری نوشته است. همچنین در بیان احوال و شخصیت اشخاص و طرف‌های دعوا نیز هیچ لفظ توهین یا تحقیرآمیزی به کار نبرده است.

بخش‌های بسیار حساس و مهم وقایع را خلاصه کرده و از مطرح‌کردن جزئیات صرف‌نظر کرده و درعرض بعضی از حوادث جزئی را به تفصیل شرح داده است. باین‌حال، همه وقایع تاریخ دقیق و روز‌شمار ندارند و از تاریخ یکساله فقط ۶۴ مورد تاریخ دارند و این یک ضعف به حساب می‌آید. همچنین کار تصحیح کتاب نیز چندان ساده به نظر نمی‌رسد، چون از قرار معلوم کاتب ترک‌زبان کتاب به احتمال زیاد اهل مراغه بوده و چنانکه از انشای متن قدیمی برمی‌آید مطالب را همان‌گونه که در ذهنش می‌آمده عیناً به فارسی برگردانه است.

می‌خوانند. نویسنده در پایان تأثیری را که عصر فتحعلی‌شاه در اخلاق زندگی شهری ایرانیان گذارده تحلیل می‌کند. به طوری‌که خواهیم دید خلق‌و‌خوی پوداوستی و زراندوزی این شاه یک نوع فساد توأم با مقدس‌مآبی را در جامعه شهری ایران رواج داد که در گزارش‌های ناظران داخلی و خارجی این دوره مندرک شده است. بی‌جهت نیست که جان ملکم که نخست از دادن رشوه به دربار ایران پروا داشت بعداً آن را آسان‌ترین شیوه یافت برای سوق‌دادن شاه و دیوانیان به راهی که خود می‌ناست. اخلاق زراندوزی و پول‌مداری مفاسد دیگری به دنبال داشت که دروغ و دورویی دیوانیان ایران را در این دوره نمایان تر ساخت. ویلیام هالینگبری در «روزنامه سفر هیئت سر جان ملکم» می‌نویسد: «ایرانیان از قابلیت‌های بسیار افشار بررسی می‌کند و سپس به نظریات میرزا ابوالقاسم قمی می‌پردازد که زمینه‌ساز اصل تقلید و متابعت بود. نظریه‌پرداز ولایت عامه فقیه یعنی ملا احمد نراقی و آثار او بحث عمده این فصل را تشکیل می‌دهد. نراقی پیشگام طرح نظریه ولایت عامه فقیه زیر یک عنوان مستقل بود. او این کار را در کتاب «موالد الایام» انجام داد که در اواخر عمرش در زمینه قواعد فقه نوشته بود. آن‌طور که از تفصیل موارد اجرایی ولایت فقیه از دید نراقی می‌بینیم، او توجهی به حوزه عمومی وظایف حاکم ندارد. مصادیقی که او ذکر می‌کند کلاً ناظر بر موارد حسی و خصوصی‌اند. نراقی نه تنها در بیان موارد و مصادیق ولایت فقیه، بلکه در برآیند کار و جایگاه حاکم نیز مقامی نظیر «مرجع تقلید» را که نیاز به رجوع تقلیدن دارد، در نظر دارد. او با این نقش سیاسی و مملکت‌داری پیامبر اسلام و امام اول شیعیان آگاه بود اما در واگذاری موارد اختیارات ائمه به فقیه به ذکر موارد حسیی بسنده کرده و در حوزه عمومی اصل و نظری مطرح نکرده است.

در فصل چهارم رویکردها و دستاوردهای فرهنگی دوره فتحعلی‌شاه به‌موازات استبداد و زراندوزی شاهانه ارزیابی می‌شود. عیش و خوش‌نشینی فتحعلی‌شاه تا آنجا بوده که گهگاه دین‌ورزی‌های نداشته، فرایندهای دوران‌سازی را در خود پرورانده او را نیز جزئی از تفنن شاهانه

بررسی

ایران و آمریکا: تاریخی پرتنش

● انقلاب ایران نقطه عطفی در رابطه ایران و آمریکا بود. تا پیش از آن، رژیم پهلوی یکی از متحدان اصلی آمریکا در منطقه به شمار می‌آمد اما با وقوع انقلاب و حوادث پس از آن این رابطه به سردی گرایید. کتاب «سیاست خارجی آمریکا و انقلاب ایران» به بررسی تعامل و تقابل استراتژیک در دوره پهلوی و پس از انقلاب می‌پردازد. نویسنده کتاب، کریستین امری، با مطالعه گسترده اسناد، یادداشت‌ها و گزارش‌های اعضای بلندپایه سپا، وزارت خارجه و شورای امنیت ملی آمریکا می‌کوشد دریابد آیا دولت کاتر انقلاب و نظام برآمده از آن را پذیرفته بود یا خیر. این کتاب به تازگی با ترجمه محمد عبداللهی‌نژاد به بازار آمده است. بنا به اعتقاد نویسنده، با اینکه انقلاب ایران و سرعت وقایع آن آمریکا را شگفت‌زده کرد، ایالات متحده این تحول را به منزله واقعیتی موجود و پیچیده پذیرفته بود. ولی کاتر و مشاورانش برداشتی پرانگده و سطحی از آن داشتند.

امری برای این قضیه دو دلیل می‌آورد: نخست اینکه کاخ سفید از ارتباط مستقیم با مخالفان رژیم پهلوی خودداری می‌کرد چون می‌ترسید شاه از این ارتباط خبردار شود و واکنش تندی نشان دهد. دلیل دوم و مهم‌تر اینکه، همزمان با رویدادهای انقلاب ایران کاتر، وزارت خارجه و شورای امنیت ملی آمریکا درگیر دو پرونده حیاتی دیگر بودند: فرایند صلح کمپ دیوید و مذاکرات پرادمنه سانت. در عین حال سیاست خارجه آمریکا تحت تأثیر مستقیم جنگ سرد بود و در نتیجه ناتوان از واکاوی اتفاق جدیدی همچون انقلاب ایران.

همزمان با انقلاب ایران مخالفان کاتر نیز در آمریکا دور تازه‌ای از حملات علیه او را سازماندهی کردند. با این‌حال همه منتقد القول بودند که باید با هر رژیمی که در این کشور بر سر کار می‌آید ارتباط برقرار کرد. اندکی بعد کاتر به خبرنگاران اعلام کرد دولت او انقلاب ایران را پذیرفته و به شکل‌گیری همکاری بسیار سازنده و سالم‌ت‌آمیز امیدوار است. طی ۲۵ سال حاکمیت پهلوی دوم، آمریکا ایران را متحد و دنباله‌روی خود قلمداد می‌کرد و شاه را مهره اصلی خود در خاورمیانه علیه شوروی می‌دانست. ولی پس از انقلاب، کاتر خود را ناگزیر از دریش‌گرفتن سیاستی جدید می‌دید.

هدف اصلی کتاب کریستین امری بررسی ماهیت و میراث این سیاست جدید است. کتاب ابتدا به این موضوع می‌پردازد که چگونه برای تعامل با رژیم جدید نقشه‌ای طراحی و اجرا شد. سپس به تغییر اهداف سیاسی ایالات متحده در سلبه سه بحران بزرگ و مرتبط می‌پردازد: بحران گروگان‌گیری، دخالت شوروی در افغانستان و آغاز ایران و عراق. در نه‌ایت می‌کوشد با بازبینی اسناد دولت کاتر چشم‌انداز تازه‌ای از ریشه‌های یکی از تلخ‌ترین و طوفانی‌ترین منازعات بین‌الملل به دست دهد.

ولی پذیرش انقال توسط دولت کاتر در ایران چندان مقبول واقع نشد. تجربه تاریخی ایران از آمریکا به‌خصوص کودتای ۲۸ مرداد، بر ذهن خواص و عموم مردم سنگینی می‌کرد و سه‌وظن وسواس‌گونه درباره قصد و غرض آمریکا قضاوت منطقی را دشوار می‌کرد. بخش نخست کتاب با عنوان «ریشه‌های سیاست تعامل» به ارزیابی‌ها، کاستی‌ها و فعل و انفعالات تلاش‌های ایالات متحده برای تعامل با ایران اختصاص دارد. فصل دوم این بخش به موضوع مهمی می‌پردازد: سیاست‌گذاران ایالات متحده از پیامدهای انقلاب ایران برای موازنه قدرت و روابط ابرقدرت‌ها چه برآوردی داشتند و احساس خطر از جانب کمونیسم در داخل و خارج ایران و سراسر منطقه چه تأثیری بر سیاست آمریکا داشت. بخش دوم کتاب با عنوان «افت‌وخیزی‌های سیاست تعامل» به نحوه اجرای سیاست تعامل توسط آمریکا می‌پردازد. بخش سوم با عنوان «سیاست تعامل در تنگنا» نیز به بررسی آثار بحران‌های گروگان‌گیری، افغانستان و جنگ ایران و عراق اختصاص دارد که هر سه در تیره‌واترکردن روابط ایران و آمریکا موثر بودند. نویسنده در فصل هفتم (بخش سوم) ارتباط میان حمله شوروی به افغانستان و سیاست ایران را تحلیل می‌کند. از نظر او، مداخله شوروی دو اثر مهم بر سیاست ایالات متحده داشت. اول اینکه از نظر آمریکا، اقدام مسکو فرصتی برای حل‌وفصل بحران گروگان‌گیری بود. حمله شوروی ارزش رابطه ایالات متحده با آمریکا می‌کوشید با ایران برقرار کند کاملاً شاملاً آن کرد. اینک کاتر در برابر اقدامات تبیهی که ممکن بود اهداف استراتژیک آمریکا را در ایران و سراسر منطقه به خطر بیندازد مقاومت کرد. نویسنده در فصل آخر نیز به بررسی حمله عراق به ایران می‌پردازد و شگفت‌زدگی و سردرگمی ایالات متحده از شروع درگیری‌ها. دولت آمریکا در ابتدا امیدوار بود از دستاوردهای اندک قوای عراق به عنوان اهرمی بزن‌بسنکی به کاتر مخالفت با هرگونه اشغال ایران توسط عراق بود، چراکه می‌توانست شوروی را تحریک به مداخله کند.

سیاست خارجی

آمریکاوانقلاب ایران

کریستین امری

ترجمه: محمد عبداللهی‌نژاد

ناشر: ققنوس

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

